

The Response by Imam al-‘Askarī’s Mother to Ja‘far al-Kadhdhāb’s Political Activities after Imam al-‘Askarī’s Martyrdom

Nahid Tayyebi¹

(Received on: 2022-7-11; Accepted on: 2022-8-9)

Abstract

After the martyrdom of Imam al-Ḥasan al-‘Askarī, the Shias faced significant threats and challenges, including Ja‘far al-Kadhdhāb’s claim to the Imamate. While Ja‘far’s activities have been extensively studied, the political and social roles of Imam al-‘Askarī’s mother remain largely unexamined and overlooked. This article employs a descriptive-analytic method and utilizes early historical sources to analyze the actions taken by the Imam’s mother in response to the political and psychological maneuvers of Ja‘far al-Kadhdhāb following Imam al-‘Askarī’s martyrdom. Research findings indicate that the challenges facing Imami Shiism included belief in an unknown and hidden Imam, the absence of an explicit will from Imam al-‘Askarī, and various claims to the Imamate. The Imam’s mother took decisive actions such as hastening to return to Samarra, countering Ja‘far’s claim to the Imamate by presenting Imam al-Mahdī, producing a will, claiming the inheritance, responding to Shia inquiries, and addressing their concerns. These efforts culminated in the defeat of Ja‘far’s political and economic agendas.

Keywords: Imam al-‘Askarī, Imam al-‘Askarī’s mother, Imam al-Mahdī, Ja‘far al-Kadhdhāb, the year 260 AH.

1. Professor, Jami‘a al-Zahra Seminary, PhD in History of Ahl al-Bayt, researcher and manager of Muslim Woman Encyclopedia, Research Institute for Islamic Studies, Qom, Iran. Email: tayyebi110@yahoo.com

اقدام‌های مادر امام عسکری (ع) در مواجهه با فعالیت‌های سیاسی جعفر کذاب پس از شهادت امام عسکری (ع)

ناهید طیبی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۸]

چکیده

شیعیان پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) با تهدیدها و چالش‌هایی از جمله وجود جعفر کذاب و ادعای امامت وی مواجه شدند. نقش‌های سیاسی اجتماعی مادر امام (ع) نیز فعالیت‌های جعفر به اختصار و مجزاتی‌بین شده است؛ اما نوع اقدام‌ها و تقابل آن دو مغفول مانده است. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع تاریخی متقدم به تحلیل اقدام‌های مادر امام (ع) در مواجهه با رفتارهای سیاسی و روانی جعفر کذاب پس از شهادت امام عسکری (ع) می‌پردازد. بر اساس یافته‌ها، اعتقاد به امام ناشناخته و ناپیدا، نبود وصیت آشکار و ادعای امامت چالش‌های امامیه بود که مادر امام (ع) با اقدام‌هایی چون شتاب در بازگشت به سامراء، مقابله با ادعای امامت جعفر با نهادن امام زمان (ع) در برابر او و طرح ادعای وصیت و ادعای میراث و پاسخگویی به شیعیان و رفع تحریر موجب شکست جعفر در برنامه‌های سیاسی و اقتصادی شد.

کلیدواژه‌ها: امام عسکری (ع)، مادر امام عسکری (ع)، امام زمان (ع)، جعفر کذاب، سال ۲۶۰ هجری.

۱. استاد حوزه جامعة الزهراء (س)، دکترای تاریخ اهل بیت (ع)، پژوهشگر و مدیر دانشنامه زن مسلمان پژوهشگاه مطالعات

اسلامی، قم، ایران. tayyebi110@yahoo.com

مقدمه

اعتقاد به امامت به‌ویژه اعتقاد به امام غایب از ویژگی‌های اندیشه شیعی است که در طول دوونیم قرن توسط ائمه (ع) پیشین زمینه‌سازی می‌شد؛ در مقابل، مخالفان برای مقابله با این اندیشه و پیامدهای آن برنامه‌هایی را طراحی می‌کردند. از جمله مخالفان این اندیشه جعفر بن علی، پسر امام هادی (ع) معروف به جعفر کذاب بود که ادعای امامت داشت و گاه با پشتوانه سیاسی دستگاه حکومت به مقابله با امام عسکری (ع)، امام زمان (ع) و مادر امام عسکری (ع) برخاست. از این سو در جبهه امام (ع)، فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای برای دفع تهدیدها و چالش‌های ایجادشده انجام می‌گرفت. بررسی اقدام‌های بانو حُذیث در برابر جعفر، پرسشی است که مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به آن است. فرضیه تحقیق حاضر این است که مادر امام (ع) با توجه به شناخت جعفر و نقش محوّل از ناحیه امام عسکری (ع) به این بانو، اقدام‌های سازنده‌ای در به‌حاشیه‌راندن جعفر ایفا کرد. پس از شهادت امام عسکری (ع)، به سبب معرفی نشدن امام دوازدهم از سوی آن حضرت، شیعیان وارد مرحله جدیدی از زیست اعتقادی خود شدند و باید به امام نادیده و ناشناخته اعتقاد می‌داشتند و از وی پیروی می‌کردند؛ همین مسئله، بازار مدعیان را رونق می‌بخشید و فرقه‌های زیادی ایجاد شد. پیش از این در کتاب نقش و شرح حال زنان تأثیرگذار در ولادت امام مهدی (ع) نگاشته نگارنده مقاله حاضر و نیز مقاله «بازشناخت نقش‌های سیاسی - اجتماعی بانو حُذیث، همسر امام هادی (ع)»، ارائه شده در همایش امام هادی (ع)، نقش بانو به طور عام و بامحوریت شخص وی بررسی شده است. در مقاله فوق به طور گسترده نقش‌های سیاسی و اجتماعی این بانو بررسی شده است که برخورد با جعفر یکی از مجموعه نقش‌های اوست؛ اما در مقاله حاضر به طور خاص تمرکز بر نقش وی در مواجهه با فعالیت‌های جعفر است. در مقاله «سوسن؛ مادر امام عسکری (ع)» نگاشته محمدابراهیم احمدی نیز در ضمن زیست‌نامه مادر امام عسکری (ع)،

به اختصار برخی از نقش های بانو بررسی شده است. گرچه مقاله علمی - پژوهشی «غیبت صغری و نخستین بحران های امامیه» نوشته محمدکاظم رحمتی پیشینه مناسبی خواهد بود؛ اما به سبب تمرکز نداشتن بر اقدام های مادر امام عسکری (ع) تنها در بخش هایی از مقاله حاضر کاربرد خواهد داشت. کتاب طهر مطهر در تبریّه جعفر، عموی امام زمان (عج) نگاشته جعفر رفیع الدین که نویسنده آن به تبریّه جعفر و ردّ اتهام های مربوط به وی پرداخته است و مقاله «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی (ع)» نگاشته قدرت الله غلمانی نیز در بخش مربوط به جعفر مناسب است، گرچه تمرکز بر شخص جعفر است. همچنین در مدخل «سوسن، مادر امام عسکری (ع)» در دانشنامه اسلامی مطالب کلی درباره مادر امام (ع) گزارش شده است که البته مواجهه بانو با جعفر به طور برجسته دیده نمی شود.

الف) چالش های امامیه پس از شهادت امام حسن عسکری (ع)

چالش های امامیه پس از شهادت امام عسکری (ع) را در موارد زیر می توان دسته بندی کرد:

۱. اعتقاد و پیروی از امام ناپیدا

پذیرش و پیروی از امامی که بسیاری از شیعیان تا کنون او را ندیده بودند و اندک شیعیانی هم که وی را ملاقات کرده بودند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۱۷)، اجازه اعلام نداشتند، از اساسی ترین مشکلات پس از امام عسکری (ع) بود. بنا به نقل نعمانی جز اندکی از شیعیان کسی درباره امام زمان خود نمی دانست و حتی بیشتر افراد در وجود او تردید داشتند (نعمانی، ۱۴۲۶: ص ۲۱). با دقت در یکی از نامه های امام زمان (ع) به گروهی از شیعیان، گلایه آن حضرت به تردید و حیرت شیعیان به روشنی مشاهده می شود. ابن ابی غانم قائل به نبود فرزند برای امام عسکری (ع) بود و امام (ع) در نامه پس از بیان ضرورت وجود جانشین برای حجت های الهی، این امر را برای امام عسکری (ع) نیز جاری و سیال دانست و با تأکید بر وجود فرزند برای وی، شیعیان را از حیرت و سرگردانی

برحذر داشت و کسانی را که با آن حضرت در این امر منازعه کنند یا ادعایی داشته باشند، ظالم و کافر معرفی نمود (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۲۸۵ - ۲۸۷؛ طبرسی، [بی تا]: ج ۲، ص ۴۶۶ - ۴۶۷). برخی دیگر از پیروان خالص امام عسکری (ع) مانند محمد بن ابراهیم مهزیار اهوازی (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۸۱ - ۲۸۲) وکیل امام در اهواز، محمد بن علی بن مهزیار اهوازی، (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹۱)، ابورجاء مصری (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۹۱ - ۴۹۲) و جمعی دیگر از شیعیان دچار تردید و تحیر در امر امامت شدند و پس از دریافت نامه‌های امام زمان (ع) از حیرت خارج شدند و به اطمینان رسیدند. امام رضا (ع) در سخنی در قالب پیشگویی به حسن بن محبوب از این دوره با تعبیر «فتنه‌ای سخت و هولناک» یاد می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۵۷). نگارش آثاری با همین اصطلاح مانند الغیبه و الحیره نوشته عبدالله بن جعفر حمیری (م ۲۹۳ ق) و الامامه و التبصره من الحیره نگاشته ابن بابویه (م ۳۲۹ ق) نشان از رواج اصطلاح «حیرت» بین نویسندگان این دوران است. در منابع مستشرقان نیز از اصطلاح «الحیره» یا دوره سرگردانی استفاده می‌شود (هالم، ۱۳۸۴: ص ۷۴).

۲. وصیت نکردن آشکار امام عسکری (ع) به جانشین خود

بر خلاف امامان پیشین، امام عسکری (ع) فرزند خویش و امام پس از خود را در جایگاه جانشین و امام تنها برای اندکی از شیعیان معرفی کرد. در منابع شیعی بر این معرفی محدود تصریح شده است؛ به گونه‌ای که شیخ مفید تأکید می‌کند آن حضرت فرزند خود را حتی به جمع کثیری از پیروان خود نیز معرفی نکرد (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۸۹ - ۳۹۰). به نظر می‌رسد امام (ع) با هدف حفظ جان امام زمان (ع) درباره جانشین خود سکوت کرد؛ همان گونه که در نگارش وصیت نامه با همین هدف، اموال خویش را به مادرش حدیث بخشید و او را وصی خویش قرار داد (مفید (الف)، ۱۴۱۴: ص ۱۳)؛ از این رو بانو پس از بازگشت از مدینه ادعای وصایت امام را کرد و این ادعا نزد قاضی اثبات شد: «و ادعت امّه وصيته و ثبت ذلك عند القاضي» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص

۵۰۴ - ۵۰۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ص ۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۷۵ و ۱۳۸). همین امر سبب شد دستگاه حاکمیت، نبود فرزندی برای آن حضرت را قبول کنند و مسئله نداشتن جانشین حتی بین دیگر فرقه‌ها نیز مطرح شد (حسین، ۱۳۷۶: ص ۱۴۶)؛ حتی در آثار زیدیه در نقلی از ناصر الاطروش (م ۳۰۴) آمده است که حسن (عسکری) در حالی از دنیا رفت که جانشینی نداشت و اموال وی بین برادر و مادرش تقسیم شد (رحمتی، ۱۳۸۵: ش ۲۵، ص ۳۹).

در مجموع امام عسکری (ع) برای حفظ جان فرزندش، تولد او را برای عموم فاش نکرد و به طور صریح و گسترده او را وصی و جانشین خود به شیعیان معرفی نکرد؛ حال آنکه شیعیان از امامان پیشین مسئله نصّ و معرفی هر امامی توسط امام قبلی را در جایگاه یک مبنای کلامی شیعه آموخته بودند (غفارزاده، ۱۳۷۵: ص ۷۸)؛ از این رو حتی برخی از شیعیان از نزدیکان امام عسکری (ع) از خاندان ابوطالب در مدینه هم به سبب اطلاع نداشتن از وجود فرزند او، گرفتار انشعاب‌ها و فرقه‌ها شدند (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۴۵۷).

۳. زمینه‌های اولیه شکل‌گیری فرقه جعفریه

پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) مانند دوره امامان پیشین، فرق مختلف شیعی به وجود آمد. معرفی نشدن امام زمان (ع) به عموم شیعیان در زمان حیات امام (ع) و حتی در وصیت خود، مخفی بودن زندگی سفرای امام به‌ویژه عثمان بن سعید و مأموریت بقیه سفیران امام عسکری (ع) به منع شیعیان از پرسیدن نام و مکان امام دوازدهم و دعوت مردم به امام غایب و نیز شبهات مطرح‌شده توسط مخالفان و ادعای جعفر بر امامت در ایجاد فرقه‌ها تأثیرگذار بود (عرفان، ۱۳۹۰: ص ۱۲۶).

فرقه جعفریه که معتقد به امامت جعفر برادر امام عسکری (ع) بودند، از بزرگ‌ترین انشعاب‌های شیعی پس از امام عسکری (ع) به شمار می‌رود (حسین، ۱۳۷۶: ص ۱۰۳ تا ۱۱۲). از آنجاکه این فرقه توسط متکلمان فطحنی مذهب و خاندان علمی بنوفضال حمایت می‌شد، بیش از فرقه‌های دیگر

در ایجاد شبهه در مورد وجود فرزند برای امام نقش داشت (حسین، ۱۳۷۶: ص ۱۱۳). پیروان این فرقه به امامت جعفر، برادر امام عسکری (ع) معتقد بودند. تقسیم‌های درون فرقه‌ای جعفریه عبارت بود از منکران امامت امام عسکری (ع)، قائلین به جانشینی جعفر کذاب و قائلین به امامت محمد پس از امام هادی (ع) که چون او در زمان حیات پدر فوت کرده بود، جعفر را جانشین محمد و امام هادی می‌خواندند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۱ - ۶۰).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله بحران‌آفرین برای پیروان امام زمان (ع) از ناحیه فرقه جعفریه، حضور فیزیکی جعفر میان شیعیان و ادعای امامت توسط خود او بود، برخلاف دیگر انشعاب‌های شیعه که امام حاضر نداشتند.

جعفر با برنامه‌ریزی تلاش زیادی کرد که سه گروه فطحیه، بزرگان امامیه و دستگاه حکومت را با خود همراه کند و از حمایت آنان بهره‌مند شود.

از آنجاکه در برخی از نامه‌ها و پرسش‌های ارسالی شیعیان به محضر امام زمان (ع)، مسئله جعفر به گستردگی مطرح شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۸۷ - ۲۹۰ نیز ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۱۱: ج ۵۱، ص ۲۹۵)، به نظر می‌رسد وی ابتدا در ایجاد انشقاق، شکاف و انحراف بین شیعیان موفق بوده است. بر اساس گزارش‌های منابع تاریخی کهن شیعی، انشعاب‌های جعفریه تا قرن چهارم از میان رفت (مفید (ب)، ۱۴۱۳، ص ۳۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۲۵؛ نیز ر.ک؛ مدرسی، ۱۳۸۶: ص ۱۳۴).

ب) اقدام‌های مادر امام عسکری (ع) و چگونگی برخورد با جعفر پس از شهادت امام (ع)

پیش از بیان اقدام‌ها، آشنایی با جعفر و بانو حُدَیث ضروری است. مادر امام عسکری (ع) کنیزی از اهالی مغرب اسلامی بود که پیش از سال ۲۳۰ به بیت امامت وارد شد. نام وی اسماء و سمانه (ابن ابی‌الثلج، ۱۴۱۰: ص ۱۲۴) و سوسن و حدیث ذکر شده است (اسکافی، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۳۱۳). مفید تنها به دو واحد اطلاعاتی در مورد بانو اشاره می‌کند: ام‌ولد بودن و نام حُدَیث (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۱۳). در مجموع ام‌ولد بودن بانو در منابع قرن چهارم و پنجم مطرح

شده و از اخبار قطعی است (اسکافی، [بی تا]: ص ۸۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۱۳). با توجه به وصف مغربیه می توان وی را از بلاد مغرب دانست. وفات وی به یقین قبل از سال ۲۷۱ قمری یعنی سال وفات جعفر بوده است؛ زیرا بین جعفر کذاب و امام زمان (ع) در مورد محل دفن بانو نیز منازعه ای رخ داد.

ابوعبدالله جعفر بن علی در سال های پس از ۲۳۲ به دنیا آمد (هوشنگی، ۱۳۹۸: ج ۱۸، ص ۱۶۹ - ۱۷۰). کنیه جعفر، ابوعبدالله بود و لقب «ابوکرّین» را از آن رو بر او نهادند که از نسل وی ۱۲۰ فرزند به دنیا آمد (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ص ۱۸۰). پدرش امام هادی (ع) بود، اما درباره هویت مادرش اختلاف است. ابن صوفی نسابه (م ۷۰۹) مادر جعفر را کنیزی به نام حذق می داند (ابن صوفی، ۱۴۲۲: ص ۳۳۰). مجلسی همه فرزندان امام را از یک پدر و مادر می داند (مجلسی، ۱۴۱۱: ج ۵۰، ص ۱۱۷). تستری معتقد است امام هادی و عسکری (ع) با هیچ زن آزادی ازدواج نکردند و تنها اسامی امهات اولاد^۱ (کنیزان صاحب فرزند) برای آن دو امام ذکر شده است (تستری، ۱۴۲۳: ص ۷۵). امام زمان (ع) در نامه های خود، جعفر را فردی بی اطلاع از احکام دین معرفی می کند که قادر به تشخیص حلال و حرام نیست (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۲۸۷ - ۲۹۰). جعفر در سال ۲۷۱ در سامرا درگذشت و به خاک سپرده شد.

گرچه درباره اوضاع درون بیت و زمان حیات امام هادی (ع) داده های تاریخی وجود ندارد، با توجه به شناخت اعضای خانواده امام (ع) می توان احتمال داد در بیت ایشان تراحم اعتقادی و تفاوت های افکار و رفتار فرزندان امام (ع) موجب برخوردهای نگران کننده می شد. اقدام های حدیث، مادر امام عسکری (ع) پس از شهادت وی عبارت است از:

۱. شتاب مادر امام (ع) در بازگشت از مدینه به سامراء

فشارهای سیاسی و روانی حکومت بر امام عسکری (ع) و خانواده ایشان به سبب تأثیر روایات اثنی عشر در ذهن جامعه اسلامی قرن سوم و اعتقاد عموم امامیه بر نقش اساسی فرزند او که

قیام‌کننده و نابودکننده دولت‌های ستمگر خواهد بود (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۷۸)، موجب تشدید فشارهای حکومت شده بود؛ به گونه‌ای که امام عسکری (ع) مانند امام هادی (ع) در سامراء تحت نظر بود و هنگامی که خبر شهادت امام را به خلیفه معتمد عباسی (۲۵۶ - ۲۷۹ ق) دادند، دستور واریسی منزل امام را داد؛ حتی برای اطمینان از اینکه امام فرزندی ندارد، دستور داد کنیزان امام را از حیث بارداری واریسی کنند (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۵۰۵).

خروج امام زمان به همراه جدّه‌اش حُذیث به دستور امام عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هـ (صفار قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۴۸۳)، انتخاب حُذیث در جایگاه وصی خود برای وانمودکردن اینکه فرزندی ندارد (مفید (الف)، ۱۴۱۴: ص ۱۳) و دستور مخفی نگاه داشتن نام و محل زندگی امام زمان از دشمنان و حتی شیعیان (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۵۰۶ - ۵۰۷؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۶۶) از برنامه‌های خاص امام عسکری (ع) برای حفظ جان امام زمان (عج) بود.

نخستین بار ابن صفار (م ۲۹۰) ماجرای بازگشت مادر امام (ع) به سامراء پس از شنیدن خبر شهادت امام عسکری (ع) را می‌آورد. حُذیث [در مدینه] در ماه صفر سال ۲۶۰ هجری دچار نگرانی شدید و اضطراب شد و گزارش شده است گاهی از مدینه خارج می‌شد و اخبار مربوط به امام (ع) را می‌گرفت تا اینکه خبر شهادت امام را شنید (صفار قمی، ۱۴۰۴: ص ۴۸۲). اسکافی (م ۳۳۶) این ماجرا را به اختصار نقل می‌کند: «أُمّ ابی محمد که نامش حدیث بود، با شنیدن خبر [شهادت امام] از مدینه بازگشت و قصه‌های طولانی وجود دارد که شرح آن به درازا می‌کشد و من از ذکر آنها گذشتم» (اسکافی، [بی تا]: ص ۸۹). این قصه‌های طولانی در منابع بعدی تفصیل بیشتری می‌یابد و به تصریح گفته شده است مربوط به وی و جعفر بوده است. شیخ صدوق به طریق وجاده (نوشتاری) از محمّد بن حسین بن عبّاد نقل می‌کند: «چون خبر وفات ابومحمّد (ع) به مادرش رسید، از مدینه به سامراء آمد و نامش "حُذیث" بود و داستان‌های مفصّلی با جعفر برادر امام حسن (ع) دارد و جعفر از او مطالبه میراث نمود و نزد سلطان از وی سعایت کرد و کشف ستر او [امام عسکری] را که خدای تعالی فرمان به

حفظ آن داده است نمود» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۲). شتاب بانو در بازگشت به سامراء برای مقابله با تحریک‌های جعفر برای اخذ مقام امامت و اموال و وجوهاتی بود که شیعیان به امام می‌سپردند. به نظر می‌رسد در صورت حضورنداشتن حدیث در سامراء، جعفر به خواسته‌های خویش دست می‌یافت. از آنجا که امام عسکری (ع) فرزند خود را به مادرش سپرده بود، از گزارش‌های حضور امام زمان (ع) و نمازخواندن بر جنازه پدر، زمان بازگشت حدیث از مدینه معلوم می‌شود. به هر حال حضور بانو یعنی حضور امام زمان (ع)، نمازخواندن ایشان بر پیکر امام و رفع تحیر از اذهان خواص و روشننگری برای ردّ ادعاهای جعفر.

۲. فعالیت‌های جعفر در اخذ مقام امامت و اقدام‌های حدیث در خنثی‌سازی

تلاش‌های جعفر برای اثبات ادعای امامت را با توجه به گزارش‌ها در ابعاد زیر می‌توان به تصویر کشید:

۲-۱. قراردادن خویش در معرض تسلیت و تهنیت شیعیان و ادعای ضمنی امامت

ابوالادیان خدمتکار امام حسن عسکری (ع) که عهده‌دار رساندن نامه‌های ایشان به شیعیان در مدائن بود، هنگام بازگشت از مأموریت متوجه شهادت امام شد و برادر آن حضرت جعفر را دید که در منزل امام بود و مردم تسلیت‌گویان به مناسبت وفات برادر، امامت او را نیز تبریک می‌گفتند. وی گوید پس از دیدن دلایل امامت امام زمان (ع)، به نزد جعفر بن علی رفتم و تا در محضر وی بودیم، گروهی از قم بانیّت ملاقات امام (حسن عسکری (ع)) آمده بودند و هنگام ورود به سامراء از وفات آن حضرت باخبر شده بودند. آنان با دیدن جمع پرسیدند به چه کسی باید تسلیت بگویند؟ مردم به برادرش جعفر اشاره کردند و آنها بر وی وارد شدند و فوت برادرش را تسلیت و امامت او را تبریک گفتند. بر اساس روایت، آنان همراه خود نامه و اموالی داشتند و به جعفر گفتند: «اگر به ما بگویی که نامه‌ها از کیست و اموال نزد ما چقدر است، آنها را به تو خواهیم داد». جعفر برخاست و گفت: «شما از ما علم غیب می‌خواهید؟» و آنها نیز چیزی به وی ندادند؛ اما در همان حال که

مردد و متحیر بودند، خدمتکاری از خانه امام بیرون آمد و جزئیات نامه‌ها را گفت و آنان فهمیدند کسی که این خبر را به او داده است، امام شیعیان پس از امام حسن عسکری (ع) است. بر اساس نقل شیخ صدوق این گروه توانستند در دیداری مخفیانه با امام دوازدهم، به وجود ایشان و امر امامتش مطمئن شوند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۵). به یقین این دیدار در آغازین روزهای پس از شهادت امام عسکری (ع) بود و نشان دهنده حضور امام زمان (ع) در عراق است؛ اما اینکه ایشان در کجا مستقر بوده است و ملاقات شیعیان قم با امام در کجا واقع شده است، معلوم نیست. آنچه مسلم است، همراهی مادر امام عسکری با امام زمان (ع) است. از خبر حضور امام زمان (ع) در این گزارش می‌توان فهمید بازگشت سریع بانو به سامراء و قرارداد امام زمان (ع) در مکانی که شیعیان خاص می‌توانستند پیام ایشان را به گروه مورد نظر برسانند، تا حدودی و در این مورد خاص اقدام جعفر در ادعای امامت را خنثی کرد.

۲-۲. درخواست یاری از حکومت برای تثبیت ادعای امامت

هنگامی که از احمد فرزند عبیدالله بن خاقان وزیر معتمد عباسی درباره جعفر کذاب می‌پرسند، جواب می‌دهد: «جعفر کیست که درباره او پرسیده شود؟! سپس می‌گوید: «وقتی برادر جعفر، حسن عسکری (ع) مدفون شد، وی نزد پدرم آمد و به او گفت: برای من مقام و مرتبت برادرم را در نظر بگیر و من هم در مقابل، هر سال بیست هزار دینار به تو می‌دهم». پدرم او را مسخره کرد و گفت: ای نادان، سلطان برای آنکه پیروان پدر و برادرت که آنان را به امامی قبول دارند، از این عقیده بازدارد، تمام قدرت و شمشیر خود را به کار بست؛ اما موفق نشد و تلاش کرد پدر و برادرت را از آن مقام پایین کشد؛ ولی توفیق نیافت و به‌واقع اگر شیعیان پدر و برادرت تو را امام می‌دانند، نیازی به تفویض این مقام از جانب سلطان یا غیر او نداری و اگر چنین مقامی نزد آنها نداری، هرگز آن را به دست نخواهی آورد (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۵۰۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۶ - ۴۷۸). صدوق پس از نقل ماجرای شیعیان قم و جبال می‌نویسد: «این خبر دلالت دارد که خلیفه امر امامت را

می‌شناخته است که چیست و موضع آن کجاست؛ به همین دلیل از این گروه و اموالی که با آنها بود، دفاع کرد و جعفر کذاب را از مطالبه آنها بازداشت و به آنها دستور نداد اموال را به جعفر تسلیم کنند، جز اینکه او می‌خواست این امر پنهان باشد و منتشر نشود تا مردم به سوی او راه نجویند» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۵).

برخی معتقدند حاکمان وقت و کارگزاران آنها بسیار کوشیدند تا شیعیان را به جعفر بن علی رجوع دهند؛ زیرا او در شمار افراد نزدیک به دستگاه حکومت بود و در مجالس عیش و نوش آنان همراه با آوازخوانان شرکت می‌کرد (معروف الحسنی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۵۳۷). البته به نظر وی، شانس موفقیت جعفر در برابر مدعیان پیشین امامت زیادتر نبود و افزون بر نادانی و جهالت، به بی‌توجهی و بی‌قیدی به دین و انجام منکرات شهرت داشت. شیعیان پدرش پس از آنکه امام به حق دلایل امامت خود را نشان داد، به او روی آوردند (معروف الحسنی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۵۳۵).

۲-۳. تشنج‌آفرینی با ارائه گزارش‌هایی مبنی بر اعتقاد امامیه به وجود امام زمان (ع)

مدتی پس از شهادت امام عسکری (ع)، جعفر به دربار معتمد عباسی رفت و از اعتقاد شیعیان به وجود پسری برای امام عسکری (ع) گزارش داد. معتمد پس از شنیدن این مطلب، گروهی از سربازان را برای بررسی منزل امام حسن عسکری (ع) و همسایگان فرستاد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۳). بر اساس گزارش‌ها، کنیز امام (ع) با نام صقیل دستگیر و بازداشت شد و در مجموعه ماجراهای پس از شهادت امام (ع) ردّیابی از رساندن اخبار و تحریک درباریان توسط جعفر دیده می‌شود (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۰۶ - ۱۰۷)؛ گرچه این کارشکنی‌ها نتیجه نداد. گفته می‌شود اتفاق مشابهی هشت سال پس از مرگ جعفر در زمان خلافت معتضد عباسی (۲۷۹ - ۲۸۹ ق) تکرار شد؛ اما این بار جاسوسان وی متوجه وجود جانشین برای امام عسکری (ع) شدند؛ به همین سبب خلیفه عباسی به وزیر خود عبیدالله بن سلیمان دستور داد امام زمان (ع) را دستگیر کنند

و جاسوسانی را نیز در لباس مشابه شیعیان امام (ع) همراه با پول نزد وکیل‌های امام (ع) بفرستند تا هر کسی پول را تحت عنوان وجوهات پذیرفت، بازداشت کنند. امام (ع) پیش از موعد این دسیسه، دستور توقف جمع‌آوری وجوهات را داد و این‌گونه نقشه خلیفه و وزیر وی با شکست مواجه شد (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۵۲۵).

مقابله مادر امام با جعفر در این مرحله، مراقبت از جان امام زمان (ع) و ایجاد زمینه‌ای برای انحراف جاسوسان خلیفه بوده است. احتمالاً در طراحی بحث ادعای بارداری صقیل، بانو خدیث نقش داشته است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: طیبی، ۱۳۹۲: ص ۲۴۳). نیز آگاهی بخشی به شیعیان و دفع شبهات آنان که در روایت احمد بن ابراهیم از حکیمه به آن تصریح شده، از اقدام‌های وی بوده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۷). همراهی امام زمان (ع) با جده‌اش خدیث محدود به سفر حج در زمان حیات امام عسکری نیست و گزارشی از زندگی امام با جده وی در منابع وجود دارد که در صورت اثبات، نشان‌دهنده نقش برجسته اوست. صدوق به سند خود از ابو جعفر مروزی از جعفر بن عمرو نقل می‌کند: «در زمان حیات اُم‌ابی محمد (ع) با جمعی به محله عسکر رفتیم و یاران من نامه‌ای با هدف زیارت امام (ع) نوشتند و برای تک‌تک افراد جمع اجازه گرفتند. من گفتم: اسم مرا ننویسید که اجازه نمی‌خواهم و اسم را ننوشتند. جواب رسید: همه داخل شوید و آن کسی هم که از اجازه سر باز زد، داخل شود» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۹۸). طوسی در الغیبه این روایت را با تعبیر «و رأوا أيام أبي محمد عليه السلام في الحياة» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۴۴) به جای «و اُم‌ابی محمد (ع) في الحياة» می‌آورد که بنا به نقل طوسی حضور مادر امام عسکری (ع) در آن منزل اثبات نمی‌شود. از سویی از ابو جعفر مروزی و جعفر بن عمرو تنها همین حدیث روایت شده است و به لحاظ سند ضعیف است؛ اما در صورت قوت سند از متن می‌توان برداشت کرد که امام زمان (ع) در برهه‌ای نزد این بانو می‌زیست و شیعیان به منزل او رفت‌وآمد داشتند. شاید برای حفظ جان امام (ع) جزئیات بیشتری در این گزارش ذکر نشده است.

۳. مبارزه حدیث با جعفر در مسئله ارث

پس از شهادت امام عسکری (ع)، دستگاه خلافت از وجود فرزندی برای آن حضرت بیمناک بود؛ در نتیجه کنیز امام (ع) را در خانه امام توقیف کردند و در پی آن اختلاف‌هایی بین اعضای خانواده امام هادی (ع) ایجاد شد. حدیث مادر امام عسکری (ع) و حکیمه عمه آن حضرت که پشتیبان بانو بود و از وجود امام زمان و امامت وی خبر داشتند و در پی حفظ میراث برای امام (ع) بودند، در یک جبهه قرار داشتند و جعفر کذاب و به نقل از برخی منابع، فاطمه، علیّه یا دلالة - تنها خواهر امام عسکری (ع) - که ادعای میراث داشتند، در سوی دیگر بودند. گفته می‌شود پس از هفت سال میراث امام عسکری (ع) - بین جعفر و مادر امام یا خواهر امام - تقسیم شد (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۱۰۵؛ اشعری، ۱۳۶۰: ص ۱۰۲؛ ابن حزم ظاهری، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۱۵۸). اینکه خواهر امام نیز وارث او بود، فقط در منابع اهل سنت نقل شده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۳، ص ۱۲۱؛ به نقل از ابن حزم، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۱۵۸).

بنا به نقل صدوق بعد از وفات امام حسن عسکری (ع) و بازگشت مادر وی به سامراء، جعفر از او مطالبه میراث نمود و نزد سلطان از وی سعایت کرد و کشف ستر او را کرد که خدای تعالی فرمان به حفظ آن داده است. در این هنگام صقیل ادعا کرد باردار است و او را به خانه معتمد عباسی بردند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۲). صدوق در پاسخ به کسانی که جعفر کذاب را جانشین امام عسکری (ع) دانسته‌اند، چنین پاسخ می‌دهد: «از جمله اخبار متواتر اینکه با وجود آنکه شیعیان اجماع و اتفاق داشتند که با وجود مادر، برادر ارث نمی‌برد، جعفر کذاب از خلیفه جائز زمان یاری خواست تا میراث امام حسن عسکری (ع) را از مادر آن حضرت دریافت کند» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۶). بر اساس گزارش‌ها از آنجا که در ظاهر برای امام عسکری (ع) فرزندی شناخته نشد، میراث وی بین برادرش جعفر و مادرش تقسیم شد (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۹۶). بنا بر نقلی از منابع شیعی، میراث امام (ع) پس از کشف خلاف در ادعای بارداری توسط کنیز، بین مادر امام و برادرش جعفر (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۵۲۵) و به نقلی دیگر، خواهر تنی امام تقسیم شد.

گرچه در گزارش مربوط به ادعای بارداری صقیل، مطلبی از مادر امام عسکری (ع) دیده نمی‌شود، با توجه به گزارش‌هایی که تصریح به بازگشت وی از مدینه به سامراء دارند و نیز با توجه به نوع مواجهه بانو با جعفر که برای حفظ اموال امام حاضر بوده است، می‌توان احتمال نقش تأثیرگذار این بانو را در طراحی این ادعا مطرح کرد. ابوالحسن حسن بن وجناء از پدرش و او از جدش ماجرای هجمه‌های مکرر به خانه امام را نقل می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۷۲). تاریخ آنها ذکر نشده است؛ اما در شش سالگی امام اتفاق افتاده است و با توجه به تولد وی در سال ۲۵۵ این هجوم یک سال پس از شهادت امام رخ داده است؛ از این رو هجوم‌هایی که به تحریک جعفر انجام می‌شد، باید پیش از تقسیم ارث و برای مصادره اموال امام و مقابله با جریان اصیل امامت، توسط جعفر صورت گرفته باشد. حضور حدیث در این خانه را نیز از قرائن می‌توان دریافت؛ همراهی همیشگی وی با امام زمان (ع) و اینکه محل زندگی وی خانه امام عسکری (ع) بوده است. بر اساس روایتی از احمد بن ابراهیم، حکیمه اخبار مربوط به امام زمان را از ابو محمد (ع) که آن را برای مادرش [حدیث] نوشته بود، شنیده و در پاسخ به این پرسش شیعیان که «شیعه اکنون به چه کسی مراجعه کند؟!» گوید: «به مادر ابو محمد (ع)، جدّه». حکیمه در انتهای سخنش نیز می‌گوید: شما اهل اخبار هستید؛ آیا برای شما روایت نشده است که میراث نهمین فرزند از فرزندان حسین (ع) در دوران حیاتش تقسیم می‌شود؟ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۷).

شیخ صدوق دلیل بر فساد عمل جعفر را یاری‌طلبی او از دیگران در طلب میراث امام از ام‌الحسن [حدیث] مادر آن حضرت می‌داند؛ در حالی که شیعیان اتفاق نظر دارند جمیع پدران او (پیشوایان و امامان) در مجموع بر این نظر بودند که با وجود مادر، به برادر ارث نمی‌رسد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۸)؛ بنابراین کسانی که می‌توانستند از نظر قانونی ادعای ارث کنند، مادر، برادر و خواهر امام حسن عسکری (ع) بودند. گفته شده است پس از درگذشت جعفر کذاب، کسانی که قائل به امامت جعفر بودند، خواهرش علیّه را امام پس از او می‌دانستند (شهرستانی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۲۰۰؛ الرازی، ۱۹۵۷: ص ۲۹۲). اینکه خواهر امام نیز وارث او بود، در کتاب‌های اهل سنت نقل شده

است و ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۲، ص ۱۲۲) به نقل از الفصل ابن حزم (ابن حزم الظاهری، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۱۵۸) آورده است؛ اما نگارنده با مراجعه به نسخه اصلی ابن حزم این مطلب را ندید. اوضاع شیعیان چنان متشنج و سخت بود که بنا به نقل شیخ صدوق، برخی معتقد بودند حَدِیث مادر امام عسکری (ع) پس از رحلت آن حضرت، عهده‌دار امامت خواهد شد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۶ - ۵۰۷؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۳۶۶).

با توجه به محدودیت‌های سیاسی زمانه امام (ع) عسکری، می‌توان گفت وصی قراردادن حَدِیث از سوی امام (ع) صحت دارد و ثبت این گزارش در اثر شیخ مفید (مفید (الف)، ۱۴۱۴: ص ۴۶) نشان‌دهنده شهرت خبر وصیت امام حسن عسکری (ع) در امور اقتصادی و دینی به مادرش در قرن چهارم و پنجم یعنی زمانه زیست شیخ مفید است.

نتیجه

اقدام‌های مادر امام عسکری (ع) در مقابل چالش‌ها و تهدیدهایی که جعفر پس از شهادت امام ایجاد کرد، نشان‌دهنده نقش ویژه تاریخی این بانو در نیمه قرن سوم است. جعفر با استفاده از کاستی‌هایی مانند ناآشنا بودن شیعیان با امام پس از عسکری (ع)، حضورنداشتن فیزیکی جانشین وی میان مردم و تهدیدها و فشارهای سیاسی دستگاه حکومت بر خانواده امام و مأمور بودن شیعیان خاص امام عسکری (ع) به سکوت و معرفی نکردن امام جدید به مردم، یکه‌تاز میدان سیاست شده بود و ادعای امامت کرد و با ارسال اخبار درونی شیعیان و پیروان امام و خانواده آن حضرت به خلیفه و وزیر او عرصه را بر امامیه تنگ کرده بود. مادر امام عسکری (ع) که هنگام شهادت ایشان، همراه با امام زمان (ع) و تنی چند از شیعیان که ایشان را مشایعت کرده بودند، در مدینه به سر می‌برد و از پیامدهای رفتارهای سیاسی جعفر آگاه بود، بی‌درنگ پس از شنیدن خبر شهادت امام (ع) خود را به سامراء رساند تا با ایجاد زمینه حضور حضرت حجت

(عج) برای نماز بر پیکر پدر، بخشی از تحیر و شبهات شیعیان زدوده شود و ادعای موهوم جعفر بر امامت شیعیان باطل شود. از سوی دیگر در پی وصی قراردادن بانو توسط امام عسکری (ع) در محضر قاضی ادعای وصایت کرد و نزد قاضی نیز ثابت شد. بنابراین مدیریت موقوفات و اموال امام (ع) بنا به نقل مفید و دیگران به وی سپرده شد و دست جعفر خالی ماند. افزون بر وصایت، وی در برابر جعفر ایستاد و میراث امام عسکری (ع) را که بر اساس فقه شیعه در صورت نبودن فرزند به مادرش تعلق می‌گرفت نه برادر، طلب کرد. گرچه اقوال مختلفی در مورد چگونگی تقسیم ارث امام وجود دارد؛ به هر حال با اقدام‌های این بانو تمام یا بخشی از اموال و دارایی امام به مادرش سپرده شد که بی‌تردید در خدمت به شیعیان مصرف شد. در نتیجه عدم پشتوانه مالی جعفر و روشنگری‌های بانو حدیث موجب عدم موفقیت جعفر شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. أم ولد به کنیزی گفته می‌شود که از مولایش صاحب فرزند شود.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن ابی‌الثلج، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق)؛ تاریخ أهل البيت؛ قم: آل البيت.
ابن حاتم شامی، جمال‌الدین یوسف (۱۴۲۰ ق)؛ الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم؛ قم: جامعه مدرسین.
ابن حزم ظاہری، علی بن احمد [بی‌تا]؛ الفصل فی الملل و الاہواء و النحل؛ تصحیح: محمد ابراہیم نصر عبد الرحمن؛ بیروت: دار الجبل.

ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو جعفر محمد بن علی (۱۳۷۹ ش)؛ المناقب؛ قم: نشر علامہ.
ابن صباغ مالکی، علی بن محمد (۱۴۲۲ ق)؛ الفصول المهمة فی معرفة الأئمة (ع)؛ قم: دار الحديث.

ابن صوفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۲۲ ق)؛ المجدی فی انساب الطالبین؛ تحقیق: احمد مهدوی دامغانی؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

ابن عنبه حسنی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق)؛ عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب؛ قم: انصاریان.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۸۸ م)؛ لسان العرب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ابونصر بخاری، سهل بن عبدالله (۱۴۱۳ ق)؛ سر السلسله العلویه؛ تحقیق: سیدصادق بحر العلوم؛ قم: شریف رضی.

احمدی، محمد ابراهیم (۱۳۸۲ ش)؛ «سوسن: مادر امام عسکری (ع)»؛ مجله فرهنگ کوثر، ش ۶۰.
اسکافی، محمد بن همام بن سهیل [بی تا]؛ منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار (ع)؛ قم: دلیل ما.
اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ ش)؛ المقالات والفرق؛ تهران: علمی و فرهنگی.
تستری، محمدتقی (۱۴۲۳ ق)؛ رساله فی تواریخ النبی و آل؛ قم: جامعه مدرسین.
حسین، جاسم (۱۳۷۶ ش)؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم؛ ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی؛ تهران: امیرکبیر.

خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ ق)؛ الهدایة الكبرى؛ بیروت: نشر البلاغ.
ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۳ ق)؛ سیر اعلام النبلاء؛ تحقیق: شعیب الزنویط؛ چ هفتم، بیروت: مؤسسه الرسالة.

ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ ق)؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام؛ تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت: دار الکتاب العربی.

الرازی، ابوحاتم احمد بن حمدان (۱۹۵۷ م)؛ کتاب الزینة؛ مصر: دار الکتاب العربی.
رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۵ ش)؛ «غیبت صغری و نخستین بحران‌های امامیه»؛ تاریخ اسلام، ش ۲۵.
رفیع‌الدین، سید جعفر (۱۳۹۶)؛ ظُهر مُطهر در تبرئه جعفر عموی امام زمان (عج)؛ قم: یاران قائم.
شهرستانی، محمد بن عبدالکریم [بی تا]؛ الملل و النحل؛ بیروت: دار المعرفه.
صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ ش)؛ عیون أخبار الرضا (ع)؛ تهران: نشر جهان.

_____ (۱۳۹۵ ش)؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ تهران: اسلامیه.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق)؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)؛ قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طبرسی، احمد بن علی [بنی تا]؛ الاحتجاج؛ مشهد: نشر المرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۶ ش)؛ اعلام الوری باعلام الهدی؛ قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ق)؛ دلائل الإمامة؛ قم: بعثت.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق)؛ کتاب الغیبه؛ قم: دار المعارف الإسلامیه.

طیبی، ناهید (۱۳۹۲ ش)؛ پژوهشی نو درباره مادر امام زمان (عج)؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ.

عرفان، امیر محسن (۱۳۹۰ ش)؛ «نقش باورداشت غیبت در پویایی حیات علمی و فکری شیعیان در

قرن سوم و چهارم»؛ مشرق موعود، ش ۱۷.

غفارزاده، علی (۱۳۷۵ ش)؛ پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان؛ قم: نشر نبوغ.

غلمانی، قدرت الله (۱۳۹۲ ش)؛ «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی»؛ اسلام پژوهان، ش ۳.

کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۹۰۵ م)؛ المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة)؛ قم: دار الرضی (زاهدی).

کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ ش)؛ رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)؛ مشهد: دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ ش)؛ الکافی؛ تهران: کتابفروشی علمیه.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۱ ق)؛ بحار الانوار؛ قم: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.

مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶ ش)؛ مکتب در فرآیند تکامل؛ مترجم: هاشم ایزدپناه؛ تهران: کویر.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ ق)؛ إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب؛ قم: انصاریان.

معروف الحسنی، هاشم (۱۳۸۲ ش)؛ سیره الائمة الاثنی عشر (ع)؛ نجف: المکتبه الحیدریه.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (الف) (۱۴۱۳ ق)؛ الارشاد؛ قم: کنگره بزرگداشت مفید.

_____ (ب) (۱۴۱۳ ق)؛ الفصول المختاره؛ تحقیق: سید علی میرشریفی؛ بیروت: دار المفید.

_____ (۱۴۱۴ ق)؛ الفصول العشره؛ تحقیق: فارس الحسون؛ بیروت: دار المفید.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۶ ق). الغیبة؛ قم: نشر مدین.
نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ ق)؛ فرق الشیعه؛ بیروت: دار الأضواء.
هالم، هاینس (۱۳۸۴ ش)؛ تشیع؛ مترجم: محمدتقی اکبری؛ قم: نشر ادیان.
هوشنگی، حسین (۱۳۹۸ ش)؛ «جعفر بن علی»؛ در: دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ ج ۱۸، تهران: مرکز
دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

References

The Quran.

Abū Naṣr al-Bukhārī, Saḥl b. ‘Abd Allāh. 1413 AH. *Sirr al-silsilat al-‘Alawiyya*. Edited by Seyed Sadeq Bahrulolum. Qom: Sharīf Raḍī.

Ahmadi, Mohammad Ebrahim. 1382 Sh. “Sūsan: mādar-i Imam ‘Askarī.” *Farhang-i kawthar*, no. 60.

Ash‘arī, Sa‘d b. ‘Abd Allāh al-. 1360 Sh. *Al-Maqālāt wa-l-firaq*. Tehran: Elmi va Farhangi.

Dhahabī, Shams al-Dīn Muḥammad al-. 1413a AH. *Siyar a‘lām al-nubalā’*. Edited by Shuaib Al Arna’ut. Beirut: al-Risala Institute.

Dhahabī, Shams al-Dīn Muḥammad al-. 1413b AH. *Tārīkh al-Islām wa-wafīyyāt al-mashāhīr wa-l-a‘lām*. Edited by Omar Abdel Salam Tdmery. Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.

Erfan, Amir Mohsen. 1390 Sh. “Naqsh-i bāvardāst-i ghaybat dar pūyāyī-yi ḥayāt-i ‘ilmī va fikrī-yi Shī‘ayān dar qarn-i sivvum va chāhārum.” *Mashriq-i maw‘ūd* 5, no. 17: 121-42.

Ghaffārzadeh, Ali. 1375 Sh. *Pazhūhishī pīrāmūn-i zindigānī-yi nuvvāb-i khāṣṣ-i Imām Zamān*. Qom: Nubūgh Publications.

Ghelmani, Ghodratollah. 1392 Sh. “Barrasī-yi shakṣiyyat va ‘amalkard-i Ja‘far ibn ‘Alī al-Hādī.” *Islām-pazhūhān* 2, no. 3 (spring): 77-96.

Halm, Heinz. 1384 Sh. *Tashayyu’*. Translated into Persian by Mohammad Taghi Akbari. Qom: Adyān Publications.

Houshangī, Hossein. 1398 Sh. “Ja‘far ibn ‘Alī.” In *Encyclopedia Islamica*, edited by Kazem Mousavi Bojnourdi. Tehran: Center for Encyclopedia Islamica.

- Hussein, Jasim. 1376 Sh. *Tārīkh-i siyāsī-yi ghaybat-i Imam Davāzdahum*. Translated by Seyed Mohammad Taghi Ayatollahi. Tehran: Amir Kabir.
- Ibn Abī al-Thalj, Muḥammad b. Aḥmad. 1410 AH. *Tārīkh Ahl al-Bayt*. Qom: Al al-Bayt.
- Ibn Ḥātam al-Shāmī, Jamāl al-Dīn Yūsuf. 1420 AH. *Al-Durr al-naẓīm fī manāqib al-ʾimmat al-lahāmīm*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Ibn Ḥazm al-Zāhirī, ‘Alī b. Aḥmad. n.d. *Al-Faṣl fī al-mīlal wa-l-ahwā’ wa-l-niḥal*. Edited by Muḥammad Ibrāhīm Naṣr ‘Abd al-Raḥmān. Beirut: Dār al-Jayl.
- Ibn ‘Inaba al-Ḥasanī, Aḥmad b. ‘Alī. 1417 AH. *Umdat al-tālib fī ansāb Āl Abī Ṭālib*. Qom: Ansarian.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad b. Mukarram. 1988. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Ibn Ṣabbāgh al-Mālikī, ‘Alī b. Muḥammad. 1422 AH. *Al-Fuṣūl al-muḥimma fī ma’rifat al-ʾimma*. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Ibn Shahrāshūb al-Māzandarānī, Abū Ja’far Muḥammad b. ‘Alī. 1379 Sh. *Al-Manāqib*. Qom: Allameh Publications.
- Ibn Sūfī, Ibrāhīm b. Muḥammad. 1422 AH. *Al-Mujdī fī ansāb al-tālibīyyīn*. Edited Ahmad Mahdavi Damghani. Qom: Ayatollah Mar’ashi Library.
- Iskāfī, Muḥammad b. Hammām b. Suhayl al-. n.d. *Muntakhab al-anwār fī tārīkh al-ʾimmat al-aṭḥār*. Qom: Dalil-e Ma.
- Kaf’amī, Ibrāhīm b. ‘Alī al-. 1905. *Al-Miṣbāḥ li-l-Kaf’amī (junnat al-amān al-wāqīya)*. Qom: Dār al-Raḍī (Zāhidī).
- Kashshī, Muḥammad b. ‘Umar al-. 1348 Sh. *Rijāl al-Kashshī (ikhtiyār ma’rifat al-rijāl)*. Mashhad: University of Mashhad.
- Khuṣaybī, al-Ḥusayn b. Ḥamdān al-. 1419 AH. *Al-Hidāyat al-kubrā*. Beirut: Nashr al-Balāgh.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya’qūb al-. 1362 Sh. *Al-Kāfī*. Tehran: Elmiyya Bookstore.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1411 AH. *Biḥār al-anwār*. Qom: Markaz al-Abḥāth wa-l-Dirāsāt al-Islāmiyya.
- Ma’rūf al-Ḥasanī, Hāshim. 1382 Sh. *Sīrat al-ʾimmat al-ithnā’ashar*. Najaf: al-Maktabat al-Ḥaydariyya.
- Mas’ūdī, ‘Alī b. al-Ḥusayn al-. 1426 AH. *Ithbāt al-waṣīyya li-l-Imām ‘Alī ibn Abī Ṭālib*. Qom: Ansarian.
- Modarressi Tabataba’i, Seyed Hossein. 1386 Sh. *Maktab dar farāyand-i takāmul*. Translated into Persian by Hashem Izadpanah. Tehran: Kavir.
- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad b. Nu’mān. 1413a AH. *Al-Irshād*. Qom: Mufid Congress.

- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad b. Nu‘mān. 1413b AH. *Al-Fuṣūl al-mukhtāra*. Edited by Seyed Ali Mirsharifi. Beirut: Dār al-Mufīd.
- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad b. Nu‘mān. 1414 AH. *Al-Fuṣūl al-‘ashara*. Edited by Faris al-Hassoun. Beirut: Dār al-Mufīd.
- Nūbakhtī, al-Ḥasan b. Mūsā. 1404 AH. *Firaq al-Shī‘a*. Beirut: Dār al-Aḍwā’.
- Nu‘mānī, Muḥammad b. Ibrāhīm. 1426 AH. *Al-Ghayba*. Qom: Madyan Publications.
- Rafiuddin, Seyed Jafar. 1396 Sh. *Ṭuhr-i muṭahhar dar tabri‘i-yi Ja‘far ‘amūyi Imam-i Zamān*. Qom: Yaran-e Qaem.
- Rahmati, Mohammad Kazem. 1385 Sh. “Ghaybat-i ṣughrā va nukhusṭīn buḥrān-hāyi Imāmiyya.” *Tārīkh-i Islām* 85, no. 25: 35-82.
- Rāzī, Abū Ḥātam Aḥmad b. Ḥamdān al-. 1957. *Kitāb al-zīna*. Egypt: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Ṣadūq, Muḥammad b. ‘Alī al-. 1378 Sh. *Uyūn akhbār al-Riḍā*. Tehran: Jahan Publications.
- Ṣadūq, Muḥammad b. ‘Alī al-. 1395 Sh. *Kamāl al-dīn wa-tamām al-ni‘ma*. Tehran: Islāmiyya.
- Ṣaffār, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1404 AH. *Baṣā‘ir al-darajāt fī faḍā’il Āl Muḥammad*. Qom: Ayatollah Mar’ashi Najafi Library.
- Shahrastānī, Muḥammad b. ‘Abd al-Karīm. n.d. *Al-Milal wa-l-niḥal*. Beirut: Dār al-Ma‘rifā.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr b. Rustam al-. 1413 AH. *Dalā’il al-imāma*. Qom: Bi‘that.
- Ṭabarsī, Aḥmad b. ‘Alī al-. n.d. *Al-Iḥtijāj*. Mashhad: Al-Murtaḍā Publications.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1376 Sh. *I’lām al-warā bi-a’lām al-hudā*. Qom: Mu’assasa Āl al-Bayt li-Iḥyā’ al-Turāth.
- Tayyebi, Nahid. 1392 Sh. *Pazhūhishī naw darbārih-yi mādar-i Imām-i Zamān*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1411 AH. *Kitāb al-ghayba*. Qom: Dār al-Ma‘ārif al-Islāmiyya.
- Tustarī, Muḥammad Taqī al-. 1423 AH. *Risāla fī tawārīkh al-nabī wa-l-āl*. Qom: Society of Seminary Teachers.